کتاب «معادله اخلاق و دین» منتشر شد

18 بهمن 1403

کتاب «معادله اخلاق و دین» تألیف قاسم پورحسن، عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی و زهرا حاجی شاه کرم پژوهشگر و نویسنده به همت انتشارات صراط منتشر شد.

اثر حاضر مجموعهٔ نخست از بحث اخلاق و دین محسوب می‌شود و قرار است در آینده توسط نویسندگان به بحث‌های دیگر این حوزه نیز پرداخته شود. این اثر در واقع دیدگاه‌هایی میان نسبت‌های دین و اخلاق با ابتناء بر رساله اخلاق و دین «ویلیام بارتلی» است.

رساله بارتلی به‌رغم اهمیتی که در حوزهٔ اخلاق‌پژوهی دارد، نوشته‌ای بسیار مختصر و حدود ۶۰ صفحه است. به‌علاوه ایجازنویسی او به همراه نقل‌قول‌های بسیار زیاد و البته اندکی پراکنده، سبب شد تا معانی و مفاهیم بسیاری مبهم مانده و چندان در تبیین معادلهٔ دو قلمرو به کار نیایند. همین امر ضرورت نکات تعلیقی و ایضاحی را برای فهم این اثر بیشتر کرده است. از این رو نویسندگان به این کار اقدام کرده و سعی کردند که ضمن شرح و بسط این اثر، دیدگاه‌های خود را هم در مورد موضوعات مورد بحث معادله اخلاق و دین برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه فلسفه دین ارائه کنند.

بارتلی در رساله اخلاق و دین، چهار نسبت بنیادین میان دو قلمرو طرح می‌کند: **الف)** فروکاستن اخلاق به دین؛ **ب)** فروکاستن دین به اخلاق؛ **ج)** تعارضات اخلاق و دین؛ **د)** تفکیک‌ناپذیری اخلاق و دین. او غرض اساسی کتاب را تبیین دقیق میزان وابستگی اخلاق و دین به یکدیگر برمی‌شمارد.

چنانچه مفروض بدانیم که دانشی به نام اخلاق و قلمرویی به‌نام دین وجود دارد، بی‌تردید مهم‌ترین مسئله آشکار ساختن نوع معادلهٔ دین و اخلاق است اما پیش از آن ابتدا نویسندگان این پرسش را مطرح کردند که چه سنخی از امور ممکن است دین نبوده و صرفاً اخلاق نامیده شود یا تنها اخلاق بوده و نتوان آن‌ها دین نامید؟ به عبارتی، آیا باید این دو قلمرو را تنها با انتساب به الهی بودن دین و بشری بودن اخلاق مورد تعریف قرار داد؟ آیا دین می‌تواند مستقل از اخلاق تصور شود یا ضرورتاً این دو قلمرو، وابستگی متقابل نسبت به یکدیگر دارند؟ استنتاج‌پذیری اخلاق از دین یا بالعکس و سازگاری میان آن‌ها، دو رابطهٔ منطقی محسوب می‌شوند، بدین معنی که اخلاق و دین با توجه به روابط منطقی که بین گزاره‌های آن‌ها وجود دارد، یا قابل استنتاج از یکدیگر هستند یا نیستند و یا با هم سازگارند یا خیر.

با توجه به دو ساحت دین و اخلاق و دو سنخ معادلهٔ استنتاج و سازگاری، بارتلی توضیح می‌دهد که شش نسبت یا احتمال میان آن‌ها قابل تصور است. احتمال نخست، امکان استنتاج اخلاق از دین و یا دین از اخلاق است. نسبت اخلاق و دین در این احتمال، یکسان است. احتمال دوم آن است که اخلاق ممکن است از دین استنباط شود، اما عکس آن ممکن نیست. در این قسم، اخلاق جزئی از دین محسوب می‌شود. احتمال سوم، عکس قسم دوم است؛ بدین معنی که دین ممکن است از اخلاق استنباط شود، اما عکس آن ممکن نیست. در اینجا، دین جزئی از اخلاق است. این سه قسم را باید در درون سازگاری اخلاق و دین قرار داد. احتمال دیگر آن است که اخلاق از دین و یا دین از اخلاق نشأت نمی‌گیرد. این

قسم بر مستقل بودن دو قلمرو مبتنی است. احتمال پنجم، بر ناسازگاری جزیی دین و اخلاق استوار است؛ لذا اخلاق از دین و یا دین از اخلاق، قابل استنباط نیست. ناسازگاری جزئی به این معنی است که برخی از گزاره‌های دین با برخی از گزاره‌های اخلاق سازگار است، اما برخی دیگر از گزاره‌ها ناسازگارند. احتمال ششم آن است که اخلاق و دین کاملاً ناسازگار بوده و به تمامه مستقل از یکدیگر هستند.

این اثر در چهار فصل تنظیم شده است، فصل اول به بحث فروکاستن اخلاق به دین پرداخته است. در فصل دوم موضوع فروکاستن دین به اخلاق مورد واکاوی قرار گرفت. فصل سوم تعارض اخلاق و دین نام دارد که این موضوع را مورد مداقه قرار داده است. فصل چهارم نیز جدایی‌ناپذیری اخلاق و دین نام دارد.

انتشارات رویای آبی – دکتر آرش شایسته نیا

ازآنجا که پاورقی گنجایش بیان نکات و تفسیرهای تفصیلی رساله بارتلی را نداشت، نویسندگان به ناچار در پایان ترجمهٔ هر بخش از اثر بارتلی، در ذیل شماره‌ها، یادداشت‌ها را ذکر کرده‌اند تا خواننده آسان‌تر در همان فصل توضیحات و شرح‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. همچنین کوشش شد تا ترجمه‌ای روان و واضح و البته با رعایت امانت از متن صورت گیرد. در انتخاب معادل‌های فارسی دقت لازم صورت گرفته تا هم رسا و هم متناسب باشد. مشکل متن بارتلی این بود که در جای جای متن، اندیشه‌ها و آثار و متفکران ذکر شده بود که نیازمند تبیین دقیق آرای‌شان بود. تفسیرها و توضیحات عمدتاً از منابع دست اول صورت گرفته و مستقیماً به خود این منابع که بسیاری از آن‌ها مهم‌ترین نوشته در کرسی‌های علمی

مرتبط محسوب می‌شوند، مراجعه شده است تا خوانندگان ضمن آشنایی با آراء و منظرها، با منابع مهم و اخیر در این باب آشنایی پیدا کرده و امکان بهره‌مندی از آن‌ها در پژوهش‌ها فراهم آید.

در بخشی از مقدمه این اثر به قلم نویسندگان آمده است: «آیا اخلاق مستلزم دین است و یا دین بدون اخلاق تعینی ندارد؟ آیا نسبت اخلاق و دین، اندراجی است و اخلاق جزئی از دین محسوب می‌شود؟ پرسش اساسی این است که آیا دین می‌تواند مستقل از اخلاق تصور شود یا ضرورتاً این دو قلمرو، وابستگی متقابل نسبت به یکدیگر دارند. استنتاج‌پذیری و سازگاری، دو رابطهٔ منطقی محسوب می‌شوند، بدین معنی که اخلاق و دین با توجه به روابط منطقی که بین گزاره‌های آن‌ها وجود دارد، یا قابل استنتاج از یکدیگر هستند یا نیستند و یا با هم سازگارند یا خیر. با توجه به پیوند نیرومند میان دین و اخلاق، می‌توان از میان روابط منطقی حاکم بر آن‌ها، دو نسبت استنتاج و سازگاری را یکی از رویکردهای مهم برشمرد.

احتمالات شش‌گانهٔ استنتاج و سازگاری مهم‌ترین ایده در باب مناسبات اخلاق و دین شمرده می‌شود. رهیافت سازگاری، خواه جزیی یا کلی در پنج قسم نخست از اقسام شش‌گانه وجود دارد و تنها در قسم ششم است که میان اخلاق و دین، ناسازگاری کلی حاکم است. احتمال نخست، امکان استنتاج اخلاق از دین و یا دین از اخلاق است که البته با نظریهٔ همسانی یا یکسانی آن دو متفاوت است. یک حالت از رویکرد استنتاج‌پذیری، منظر همسانی است که می‌توان آن را در تعبیری دقیق‌تر، استنتاج متقابل دانست، بدین معنی که هم اخلاق از دین و هم دین از اخلاق، قابل استنتاج است.

پرسش از فروکاستن دین به اخلاق، رویکردی است که عمدتاً در دورهٔ جدید مطرح شده است. این رویکرد که با نگرش لیبرالیسم پروتستانی طرح و تبیین شده و بسط پیدا کرد، برای یک دورهٔ طولانی در طول قرن نوزدهم، قانع‌کننده به نظر می‌رسید، گرچه در خلال دهه‌های ابتدایی قرن بیستم به‌واسطهٔ تفسیر کتاب مقدس و همچنین به سبب نقد فلسفی و اجتماعی رو به ضعف گرایید. با این وصف، نمی‌توان آغاز و پیشینهٔ نخستین رویکرد تقلیل را به پروتستانیسم ارجاع داد. مهم‌ترین نمونهٔ تقلیل دین به اخلاق، ادیان شرقی و به‌طور خاص آیین کنفوسیوس است. با این وصف، شاید بتوان دیدگاه‌های اسپینوزا در باب مناسبات اخلاق و دین و تأکید بر خودبسندگی اخلاق و تدوین نظام اخلاقی بدون ابتناء بر دین را در دورهٔ جدید مهم‌ترین رویکرد در تقلیل دین به اخلاق یا صورت‌بندی دستگاه اخلاق بدون پشتوانهٔ دین برشمرد، رویکردی که امروزه در دیدگاه نواسپینوزایی با تأکید افزون‌تری در باب استقلال اخلاق بسط یافته است.

حالت‌ها و شقوق شش‌گانه، کامل‌ترین و متداول‌ترین تقسیمات در باب نسبت‌های اخلاق و دین است. شاید بتوان گفت که بیشترین مناقشات بر سر دو قسم «اخلاق، جزئی از دین است»، و «دین، جزئی از اخلاق است»، صورت گرفته است. به نظر می‌رسد دو رویکرد استقلال و تمایز و نیز تعارض، به نحوی امروزه پذیرفته شده و در میان فیلسوفان و متفکران اخلاق، مناقشات مهم ایجابی بر روی آن صورت نگرفته است؛ لذا باید پذیرفت که پرمناقشه‌ترین و یا رایج‌ترین مباحثات، ذیل دو قسم اول شکل گرفته باشد. برخی معتقدند که اولین و رایج‌ترین تصور در باب ارتباط دین و اخلاق این است که اخلاق جزء انفکاک‌ناپذیر دین است. البته شاید درست این باشد که بگوییم، در میان دینداران و پیروان ادیان و نیز الهی‌دانان، این قسم، مهم‌ترین سنخ از معادله میان اخلاق و دین محسوب می‌شود.»

کتاب «معادله اخلاق و دین» تألیف قاسم پورحسن، عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی و زهرا حاجی شاه کرم به همت انتشارات صراط در ۵۶۰ صفحه به بهای ۶۰۰ هزار تومان منتشر شده است.